گِوِش یَشت
(دْرَواسپ یشت)

خشنودی ِ«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را.

کرده‌ی یکم

1
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ... (1)

2
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

3
هوشنگ ِپیشدادی در پای ِ[کوه ِ] زیبای مزداآفریده‌ی [البرز]، سد اسب و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند، او را پیشکش آورد و زَور نیازکنان چنین خواستار شد :

4
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که بر همه‌ی دیوان مَزَندَری چیره شوم؛ که از بیم دیوان، هراسان و گریزان نشوم؛ که همه‌ی دیوان - ناگزیر - از من هراسان و گریزان شوند و از بیم به تاریکی روی نهند. (2)

5
دْرَواسپ ِتوانای مزداآفریده‌ی اشون ِپناه‌بخش - که خواستار ِزَور نیازکننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.

6
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.

دْرَواسپِ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرَد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.
«ینگْهِه هاتَم ...»

کرده‌ی دوم

7
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ...
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

8
جمشید ِخوب رمه در پای ِکوه ِهُکَر، سد اسب و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند، او را پیشکش آورد و زَور نیازکنان چنین خواستار شد :

9
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که آفریدگان ِمزدا را گله‌ها بپرورم؛ که آفریدگان ِمَزدا را جاودانگی بخشم ...

10
... که گرسنگی و تشنگی را از آفریدگان ِمزدا دور بدارم؛ که ناتوانی ِپیری و مرگ را از آفریدگان ِمزدا دور بدارم؛ که باد ِگرم و باد سرد را هزار سال از آفریدگان ِمزدا دور بدارم.

11
دْرَواسپ ِتوانای مزداآفریده‌ی اشون ِپناه‌بخش - که خواستار ِزَور نیازکننده و به آیینْ پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.

دْرَواسپِ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرَد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.
«ینگْهِه هاتَم ...»

کرده‌ی سوم

12
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ...
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

13
فریدون پسر آتبین از خاندان ِتوانا در سرزمین چهار ِگوشه‌ی وَرنَ، سد اسب و هزار گاو و ده‌هزار گوسفند، او را پیشکش آورد و زَور نیازکنان چنین خواستار شد :

14
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که من بر «اَژی دَهاک» - [اژی دهاک ِ] سه پوزه‌ی سه کله‌ی شش ِچشم، آن دارنده‌ی هزار [گونه] چالاکی، آن دیو ِبسیار زورمند ِدُروج، آن دُروَند ِآسیب‌رسان ِجهان، آن زورمندترین دروجی که اَهریمن برای تباه کردن ِجهان ِاشه، به پتیارگی در جهان اَستومَند بیافرید - پیروز شوم و هر دو همسرش سَنگهَوَک و اَرَنَوَک را - که ِبرازنده‌ی نگاهداری خاندان و شایسته‌ی زایش و افزایش دودمانند - از وی ِبرُبایم.

15
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن ِپناه‌بخش - که خواستار ِزَور نیاز کننده و به آیین ْپیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.

دْرَواسپِ ِتوانایِ مزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرَد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.
«ینگْهِه هاتَم ...»

کرده‌ی چهارم

16
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ...
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

17
هَوم ِنوشیدنی ِدرمان‌بخش، شهریار ِزیبای ِزرین در پای ِبلندترین ستیغ ِکوه البرز، او را پیشکش آورد و چنین خواستار شد :

18
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که افراسیاب ِتباهکار ِتورانی را به زنجیر کشم و او را بسته به زنجیر، کشان کشان برانم و [همچنان] دربند، نزد کیخسرو پسر ِخونخواه سیاوش برم تا او را در کرانه‌ی دریاچه‌ی ژرف و پهناور «چیچَست» به خونخواهی سیاوش ِناموَر - که ناجوانمردانه کشته شد - و به کین خواهی ِ«آغریرَث ِ» دلیر، بکشد.

19
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن ِ پناه‌بخش - که خواستار ِزَور نیاز کننده وبه آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.
دْرَواسپِ ِتوانایِ مزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرَد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.
«ینگْهِه هاتَم ...»

کرده‌ی پنجم

20
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ...
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

21
[کیـ]ـخسرو، پهلوان ِسرزمین‌های ِایرانی و استوار دارنده‌ی کشور، در کرانه‌ی دریاچه‌ی ژرف و پهناور چیچَست، سد اسب و هزار گاو وده‌هزار گوسفند، او را پیشکش آورد و زَور نیازکنان چنین خواستار شد :

22
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که من - پسر ِخونخواه ِسیاوِش - افراسیاب ِتباهکار ِتورانی را در کرانه‌ی دریاچه‌ی ژرف و پهناور چیچَست به خونخواهی ِسیاوش ِناموَر - که ناجوانمردانه کشته شد - و به کین‌خواهی ِاَغریرَث دلیر بکشم.

23
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون ِپناه‌بخش - که خواستار زَور نیاز کننده و به آیینْ پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.
دْرَواسپ ِتوانای مزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.
«ینگْهِه هاتَم ...»

کرده‌ی ششم

24
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ...
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

25
او را بستود زَرتشت ِپاک در ایران‌ویجِ در کرانه‌ی [رود ِ] دایتیای ِنیک با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان خِرَد و «مَنثَره»، با اندیشه و گفتار کردار [نیک]، با زَور و با سخن ِرسا و از او چنین خواستار شد :

26
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که «هوتَوسا» ی ِنیک و بزرگوار را بر آن دارم که هماره دینی بیندیشد، دینی سخن گوید و دینی رفتار کند؛ که به دین ِمزداپرستی ِمن بگرود و آن را دریابد؛ که انجمن ِمرا (3)، مایه‌ی آوازه-ی نیک شود.

27
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون ِپناه‌بخش - که خواستار ِزَور نیاز کننده وبه آیینْ پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرَد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.
«ینگْهِه هاتَم ...»

کرده‌ی هفتم

28
«دْرَواسپِ» توانای ِمزداآفریده‌ی اَشَوَن را می‌ستاییم که ستوران ِخُرد را تندرست نگاه می‌دارد؛ که ستوران ِبزرگ را تندرست نگاه می‌دارد؛ که دوستان را تندرست نگاه می‌دارد؛ که کودکان را تندرست نگاه می‌دارد؛ با دیدبانان بسیار دور و ...
آن که دارای اسبان ِزین کرده و گردونه‌های ِپر تکاپو با چرخ‌های ِخروشان است ...
نیرومند ِبُرزمند ِپاداش نیک بخشنده و درمان‌بخشی که اَشَوَن مردان را یاری رساند و پیشه‌ی درست بخشد و آرامگاه آماده کند.

29
کِی گُشتاسپ ِگرانمایه در کرانه‌ی آب ِدایتیا، سد اسب و هزار گاو ده‌هزار گوسفند، او را پیشکش آورد و زَور نیازکنان چنین خواستار شد :

30
ای دْرَواسپ ! ای نیک ! ای تواناترین !
مرا این کامیابی ارزانی دار که با «آشْتَ اَورْوَنتْ» پسر «ویسْپَ ثَورْ واُشتی» - که خود ِسر تیز و گردن ستبر دارد و دارای هفتسد اشتر است - در پشت «زَینیاوَر خویذاهِه» بجنگم و بر او پیروز شوم.
مرا این کامیابی ارزانی دار که با «آرجاسپ ِخَیون ِ» گناهکار بجنگم و بر او پیروز شوم؛ که با «دَرْشینیکَ»ی ِ دیو پرست بجنگم و بر او پیروز شوم ...

31
مرا این کامیابی ارزانی دار که «تَثریاونت» دُژ دین را براندازم، که «سْپینجَ اوروشْکَ»ی ِ دیوپرست را براندازم، که دیگر باره «هُمای» و «واریذکَنا» را از سرزمین خیون‌ها به خانمان بازگردانم، که سرزمین‌های خیون‌ها را برافگنم : پنجاه‌ها سدها، سدها هزارها، هزارها ده‌هزارها، ده‌هزار سدهزارها.

32
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون ِپناه‌بخش - که خواستار ِزَور نیاز کننده و به آیین پیشکش آورنده را کامروا کند - او را کامیابی بخشید.
دْرَواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را برای فَر و فروغش با نماز [ی با بانگ ِ] بلند، با نماز ِنیک گزارده و با زَور می‌ستاییم.
دْرَواسپ ِتوانای ِ مزداآفریده‌ی اشون را با هَوم ِآمیخته به شیر، با بَرسَم، با زبان ِخِرَد و «مَنْثَره»، با اندیشه و گفتار و کردار [نیک]، با زَوْر و با سخن رَسا می‌ستاییم.

«ینگْهِه هاتَم ...»

33
«یَثَه اَهو وَیْریو ...»
دْرواسپ ِتوانای ِمزداآفریده‌ی اشون را درود می‌فرستم.
«اَشِم وُهو ...»
«اَهمایی رَئِشْچَه ...» : او را فروغ و فر، او را تندرستی، او را پایداری تن، او را پیروزی تن، او را خواسته‌ی بسیار آسایش بخش، او را فرزندان کارآمد، او را زندگی دیرپای، او را بهترین هستی ِاَشَوَنان و روشنایی ِهمه گونه آسانی‌بخش ...

---
1. به جای نقطه‌ها در متن، واژه‌ای است که معنی درستی از آن برنمی‌آید.
2. بسنجید با یسنا هات 57، بند 18
3. چنین می‌نماید که منظور همان «مَگه» باشد که در گاهان (یسناهای 29 ،33 ،46 ،51 و 53) از آن سخن به میان آمده است.